نقشه راه تحول سازمان بسیج در پرتو پیام راهبردی رهبر انقلاب و ظهور ظرفیت‌های تازه ملت ایران بررسی شد

بسیج در قامت یک ملت

پیام پنجم آذرماه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت هفته بسیج را نباید صرفاً در زمره پیام‌های مناسبتی و تجلیل از خدمات تاریخی یک نهاد انقلابی ارزیابی کرد. این پیام، واجد مختصات یک سند راهبردی برای تحول در سازمان بسیج است؛ تحولی که منظور از آن، نه ضرورت‌های درون سازمانی و اقتضائات اداری، بلکه دگرگونی جامعه ایران در جریان دفاع مقدس سوم است. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در این پیام، ضمن بازخوانی فلسفه تأسیس بسیج به ابتکار امام خمینی(ره)، از ضرورت تجربه یک «تولد جدید» سخن می‌گویند و بر همین اساس، افق تازه‌ای را پیش روی این سازمان قرار می‌دهند. انتخاب تعبیر تولد جدید در کنار تحول، معنادار است. تحول می‌تواند ناظر بر اصلاح ساختارها، تغییر رویه‌ها، بازنگری در مأموریت‌ها و ارتقای کارآمدی یک سازمان باشد؛ اما تولد جدید، مفهومی فراتر از این‌ها دارد و ناظر بر ورود یک پدیده به مرحله تازه‌ای از حیات خود است. به عبارت دیگر، مسئله صرفاً این نیست که بسیج کارهای گذشته خود را بهتر انجام دهد؛ بلکه باید بتواند امکانات و ظرفیت‌هایی را در جامعه ایران به رسمیت بشناسد که ممکن است در قالب‌ها و سازوکارهای پیشین آن نگنجند. در منطق این پیام، جامعه ایران دستخوش تحولی شده که سازمان بسیج باید خود را با آن متناسب سازد. این نکته شاید مهم‌ترین گزاره راهبردی پیام باشد: این بار، تحول جامعه است که ضرورت تحول سازمان را پدید آورده است. ملت در جریان مواجهه با جنگ و تهدید، ظرفیت‌هایی از خود بروز داده که بهره‌مندی پایدار از آن‌ها، مستلزم بازاندیشی در تعریف بسیجی، نسبت بسیج با مردم، سازوکارهای مشارکت، اخلاق سازمانی و گستره مأموریت‌های این نهاد است.

بسیج به مثابه یک پدیده تاریخی تکامل‌یابنده

رهبر انقلاب در نخستین سطور پیام خود، تأسیس بسیج را آغاز یک «دوره تکاملی» توصیف می‌کنند. این تعبیر در فهم بخش‌های بعدی پیام اهمیت فراوانی دارد. اگر بسیج پدیده‌ای تکامل‌یابنده است، هیچ یک از صورت‌های تاریخی آن را نمی‌توان صورت نهایی و پایان‌یافته بسیج دانست. حتی تجربه درخشان بسیج در دوران دفاع مقدس هشت ساله، با همه عظمت و اهمیت تاریخی‌اش، نخستین تجلی ظرفیت‌های این پدیده در مقیاس ملی بوده است.

در واقع باید میان فلسفه وجودی بسیج و صورت تاریخی تحقق آن تمایز قائل شد. فلسفه وجودی بسیج، گردهم آوردن انسان‌های مؤمن، فداکار، مسئولیت‌پذیر و خواهان عزت ایران و اسلام است؛ اما اینکه این انسان‌ها در چه قالبی گرد هم آیند، چه مأموریتی برعهده بگیرند و چگونه به نیازهای جامعه پاسخ دهند، تابع شرایط تاریخی و مقتضیات زمانه است.

تفاوت میان این دو سطح بسیار مهم است. اگر صورت تاریخی بسیج با حقیقت آن یکسان انگاشته شود، هرگونه تغییر در شیوه‌های فعالیت، به منزله فاصله گرفتن از هویت اولیه تلقی خواهد شد. حال آنکه در منطق پیام رهبر انقلاب، وفاداری به فلسفه تأسیس بسیج، اتفاقاً مستلزم برخورداری از قابلیت تحول است. بسیج دوران دفاع مقدس، متناسب با مسئله اصلی کشور در دهه شصت شکل گرفت و توانست ظرفیت مردمی را در خدمت دفاع از تمامیت ارضی و استقلال ایران قرار دهد. بسیج در دوران پس از جنگ نیز در عرصه‌های مختلفی از سازندگی و محرومیت‌زدایی تا فعالیت‌های علمی، فرهنگی و امدادی حضور یافت. اکنون مسئله این است که مرحله بعدی این سیر تکاملی چه مختصاتی خواهد داشت و چگونه می‌تواند به اقتضائات جامعه ایران در دهه‌های آینده پاسخ دهد.

بعثت ملت؛ نقطه عزیمت تحول سازمان

در پیام رهبر انقلاب، میان بعثت ملت ایران و تکثیر روحیه بسیجی رابطه‌ای مستقیم برقرار شده است. ایشان بعثت ملت در دفاع مقدس سوم را به نوعی تکثیر روحیه بسیجی در سراسر کشور می‌دانند. لازمه پذیرش این گزاره آن است که بسیجی بودن، لزوماً به عضویت در سازمان رسمی بسیج محدود نیست و می‌تواند در رفتار اجتماعی افرادی نیز تجلی یابد که هیچ‌گاه در ساختار تشکیلاتی بسیج عضویت نداشته‌اند.

در این تلقی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مواجهه جامعه ایران با جنگ، ظهور ظرفیت‌هایی از مسئولیت‌پذیری عمومی، همبستگی ملی و آمادگی برای فداکاری بوده است. پیام رهبر انقلاب این وضعیت را فرصتی برای بازآفرینی سازمان بسیج می‌داند؛ فرصتی که اگر به‌درستی فهم نشود، ممکن است بخش مهمی از ظرفیت‌های پدیدآمده در دوران بحران، با عبور کشور از شرایط اضطراری به تدریج مستهلک شود. یکی از مسائل همیشگی جوامع در مواجهه با بحران‌های بزرگ، چگونگی تبدیل همبستگی دوران اضطرار به همکاری پایدار در دوران عادی است. جوامع ممکن است هنگام جنگ، بلایای طبیعی یا تهدیدهای خارجی، سطح کم‌سابقه‌ای از همدلی و همکاری را تجربه کنند؛ اما استمرار این وضعیت به وجود نهادها و سازوکارهایی بستگی دارد که بتوانند مشارکت خودجوش مردم را به ظرفیت ماندگار اجتماعی تبدیل کنند. از این منظر، مسئله پیش روی بسیج صرفاً جذب نیروهای جدید نیست؛ بلکه کمک به ماندگاری و ثمربخشی مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. کیفیت تحول سازمانی بسیج را نیز باید با میزان موفقیت آن در ایجاد امکان مشارکت داوطلبانه و مؤثر برای مردم سنجید.

سه ساحت متمایز بسیج؛ سازمان، مکتب و روحیه

یکی از لوازم فهم دقیق پیام پنجم آذرماه، تفکیک میان سه ساحتی است که در ادبیات عمومی گاه با یکدیگر خلط می‌شوند: سازمان بسیج، مکتب بسیج و روحیه بسیجی.

سازمان بسیج، نهادی رسمی با ساختار، سلسله مراتب، منابع انسانی، مسئولیت‌ها و مأموریت‌های مشخص است. مکتب بسیج، مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که به این سازمان هویت می‌بخشد. روحیه بسیجی نیز صورت تحقق‌یافته آن ارزش‌ها در شخصیت و رفتار انسان‌هاست. اگرچه این سه ساحت با یکدیگر مرتبط‌اند، بر یکدیگر انطباق کامل ندارند. ممکن است فردی عضو رسمی سازمان بسیج نباشد، اما در زندگی خود واجد بسیاری از ویژگی‌های روحیه بسیجی باشد. از سوی دیگر، عضویت رسمی در یک سازمان نیز به خودی خود تضمین‌کننده برخورداری از همه فضایل اخلاقی مورد انتظار از اعضای آن نیست. رهبر انقلاب با اشاره به کسانی که عضو مصطلح بسیج نیستند، اما به مکتب و مرام آن علاقه دارند، صراحتاً به همین تمایز توجه می‌دهند. این بخش از پیام، امکان فهم بسیج به عنوان پدیده‌ای وسیع‌تر از سازمان بسیج را فراهم می‌کند. در چنین چارچوبی، سازمان بسیج تنها بستر ظهور روحیه بسیجی نیست؛ بلکه یکی از نهادهای مسئول در قبال شناخت، پاسداشت و فراهم کردن زمینه ثمربخشی آن است. این تمایز می‌تواند تأثیری تعیین‌کننده بر فرهنگ سازمانی، شیوه تعامل با مردم و تعریف موفقیت در بسیج داشته باشد.

هفته بسیج گرامی باد

هر ایرانی یک بسیجی؛ توسعه یک امکان، نه تعمیم یک تشکیلات

شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» را باید در پرتو همین تمایز تفسیر کرد. اگر مقصود از این شعار صرفاً افزایش تعداد اعضای رسمی بسیج باشد، بخش مهمی از ظرفیت مفهومی آن نادیده گرفته خواهد شد.

اهمیت این شعار در آن است که هر ایرانی بتواند متناسب با توانایی، تخصص، موقعیت اجتماعی و فرصت‌های زندگی خود، در مسیر خیر عمومی و پیشرفت کشور نقش‌آفرینی کند. یک پزشک، معلم، کارگر، صنعتگر، برنامه‌نویس، هنرمند، کشاورز یا پژوهشگر، لزوماً برای ایفای مسئولیت اجتماعی خود به تغییر حرفه یا پیوستن به یک قالب تشکیلاتی یکسان نیاز ندارد. از همین رو، یکی از مسائل اساسی در تحول بسیج، تنوع‌بخشی به صورت‌های مشارکت است. جامعه امروز ایران از حیث تقسیم کار، تخصص‌های حرفه‌ای، سبک زندگی، مناسبات نسلی و شیوه‌های ارتباطی، پیچیده‌تر از جامعه دهه‌های نخست انقلاب است. سازمانی که با این جامعه سروکار دارد، نمی‌تواند تنها از مجموعه‌ای محدود از الگوهای مشارکت برخوردار باشد.

درعین حال، فراگیری این شعار نباید به این معنا تفسیر شود که تعلق به ایران یا برخورداری از حقوق شهروندی، منوط به عضویت در بسیج یا پذیرش هویت تشکیلاتی آن است. ارزش مشارکت مردمی در داوطلبانه بودن آن است. هرگونه تبدیل یک امکان اجتماعی به الزام سازمانی، می‌تواند نتیجه‌ای معکوس بر اعتماد عمومی و انگیزه مشارکت داشته باشد.

بنابراین، تحقق این شعار بیش از آنکه مسئله افزایش تعداد پرونده‌های عضویت باشد، مسئله افزایش ظرفیت کشور برای پذیرش و بهره‌مندی از مشارکت‌های داوطلبانه مردم است.

از سازمان نیروپایه به نهادی مسئله‌محور

یکی دیگر از الزامات تحول بسیج، تغییر در نحوه تعریف رابطه میان نیروی انسانی و مأموریت است. در الگوهای متعارف سازمانی، ابتدا نیروی انسانی جذب می‌شود، سپس برای فعالیت آن برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. اما در یک جامعه برخوردار از تخصص‌های متنوع، می‌توان از مسیر دیگری نیز حرکت کرد: ابتدا مسئله‌ای واقعی شناسایی شود و سپس زمینه مشارکت داوطلبانه افراد دارای توانایی حل آن فراهم آید. این تغییر نگرش در فعالیت‌های اجتماعی بسیج اهمیت ویژه‌ای دارد. مسئله یک محله ممکن است ترک تحصیل دانش‌آموزان باشد؛ مسئله روستایی دیگر، دسترسی محدود به خدمات درمانی؛ مسئله یک منطقه صنعتی، مشکلات زیست‌محیطی و مسئله یک شهر آسیب‌پذیری خانواده‌ها در برابر بحران‌های اقتصادی.

بدیهی است که پاسخ‌گویی به این مسائل، به مجموعه یکسانی از توانایی‌ها و تخصص‌ها نیاز ندارد. همچنین هیچ سازمانی نمی‌تواند به تنهایی همه ظرفیت‌های لازم برای حل چنین مسائل متنوعی را در ساختار رسمی خود گرد آورد.

بسیج مسئله‌محور، پیش از هر چیز باید در شناخت مسئله توانمند باشد. در غیر این صورت، ممکن است حجم بالایی از فعالیت‌ها انجام گیرد، بی‌آنکه تأثیر متناسبی بر زندگی مردم برجای بگذارد. برگزاری برنامه، تشکیل گروه یا صرف منابع، به خودی خود معادل حل مسئله نیست.

این نگاه، مستلزم آن است که ارزیابی فعالیت‌های اجتماعی بسیج از شمار اقدامات انجام شده فراتر رود و آثار واقعی آن‌ها بر کیفیت زندگی مردم، میزان دسترسی به خدمات و کاهش مشکلات محلی نیز بررسی شود.

هسته سخت اعتقادی و گستره وسیع مشارکت اجتماعی

در نگاه نخست ممکن است میان تأکید رهبر انقلاب بر شکل‌گیری هسته‌ای سخت از طرفداران حق و عدالت و طرح شعار فراگیر هر ایرانی یک بسیجی، نوعی فاصله مفهومی به نظر برسد. اما این دو گزاره ناظر بر دو مسئله متفاوت‌اند.

هسته سخت اعتقادی، به مبانی هویتی و ارزش‌هایی اشاره دارد که فلسفه تأسیس بسیج را تشکیل می‌دهند؛ درحالی که گستره مشارکت اجتماعی، به میزان توانایی این نهاد در همکاری با ظرفیت‌های متنوع جامعه مربوط است.

فراگیری اجتماعی لزوماً به معنای انحلال هویت اعتقادی یک سازمان نیست؛ همچنان که برخورداری از هویت اعتقادی مشخص نیز ضرورتاً نباید به بسته شدن مسیر همکاری‌های اجتماعی با دیگران منتهی شود.

مسئله مهم در اینجا، جلوگیری از خلط میان ضوابط عضویت رسمی و شرایط مشارکت در فعالیت‌های عمومی و عام‌المنفعه است. یک فعالیت امدادی، آموزشی یا اجتماعی می‌تواند زمینه همکاری افرادی را فراهم کند که در برخی دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی با یکدیگر متفاوت‌اند، اما در ضرورت حل یک مشکل عمومی اشتراک نظر دارند.

انسجام اجتماعی نیز دقیقاً در چنین موقعیت‌هایی معنا پیدا می‌کند. جامعه منسجم، جامعه‌ای نیست که همه اعضای آن در تمام موضوعات یکسان بیندیشند؛ بلکه جامعه‌ای است که بتواند به رغم تفاوت‌ها، بر سر منافع مشترک و خیر عمومی همکاری کند.

اخلاق بسیجی؛ مهم‌ترین زیرساخت تحول سازمانی

بند دوم پیام رهبر انقلاب را نباید صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی فردی دانست. تأکید ایشان بر حسن خلق، مهربانی، احترام به مردم، تواضع، فروتنی، عدم تمایل به دیده شدن و دوری از تجملات، در واقع ترسیم مختصات فرهنگ سازمانی مطلوب بسیج است.

سازمان بسیج برخلاف بسیاری از سازمان‌های رسمی، رابطه‌ای مستقیم و گسترده با جامعه دارد. اعتبار اجتماعی چنین نهادی صرفاً از جایگاه قانونی یا سابقه تاریخی آن به دست نمی‌آید؛ بلکه در تجربه روزمره مردم از مواجهه با اعضای آن نیز شکل می‌گیرد.

مردم ممکن است کمتر با اسناد راهبردی و ساختارهای کلان یک سازمان آشنا باشند، اما رفتار فردی را که به نمایندگی از آن سازمان با ایشان مواجه می‌شود، به خوبی درک می‌کنند. از این جهت، هر بسیجی در تعامل اجتماعی خود، حامل بخشی از اعتبار عمومی بسیج است.

نکته قابل تأمل پیام آن است که رهبر انقلاب، رفتار خود بسیجیان را یکی از مهم‌ترین مجاری تکثیر روحیه بسیجی در جامعه معرفی می‌کنند. در این نگاه، اخلاق صرفاً موضوع آموزش و تبلیغ نیست؛ بلکه حقیقتی است که باید در رفتار انسان‌ها مشاهده شود. این تأکید، لوازم سازمانی مشخصی نیز دارد. احترام به مردم، پرهیز از تحقیر، امانت‌داری، رعایت حقوق شهروندان و پذیرش مسئولیت در برابر خطاها، باید در ارزیابی عملکرد اعضا و مدیران جایگاهی متناسب داشته باشد. سازمانی که در پی گسترش یک فضیلت اخلاقی است، پیش از هر چیز باید امکان مشاهده آن فضیلت را در درون خود فراهم آورد.

گمنامی به مثابه فضیلت و مسئله تشریفات سازمانی

از میان ویژگی‌های مورد اشاره در بند دوم پیام، دو مؤلفه عدم تمایل به دیده شدن و دوری از تجملات و تشریفات، اهمیت مضاعفی دارند؛ زیرا مستقیماً با برخی آفت‌های احتمالی نهادهای بزرگ و باسابقه مرتبط‌اند.

هر سازمانی در جریان گسترش خود ممکن است به تدریج گرفتار مناسبات بوروکراتیک، تشریفات زائد، رقابت بر سر موقعیت‌های سازمانی و غلبه گزارش عملکرد بر عملکرد واقعی شود. بسیج نیز به صرف برخورداری از فلسفه تأسیس متفاوت، از احتمال ابتلا به این آسیب‌ها مصون نیست.

این خطر درباره نهادی که بخش مهمی از اعتبار تاریخی خود را از اخلاص و فداکاری اعضایش به دست آورده، جدی‌تر است. زیرا فاصله گرفتن فرهنگ سازمانی از ارزش‌های اولیه، می‌تواند نه تنها به کاهش کارآمدی، بلکه به فرسایش هویت آن منجر شود.

البته گمنامی به معنای فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی نیست. می‌توان از خودنمایی فردی پرهیز کرد و در عین حال درباره نحوه مصرف منابع، نتایج فعالیت‌ها و میزان تحقق مسئولیت‌های عمومی شفاف بود. تفکیک این دو مسئله برای سلامت سازمانی اهمیت فراوانی دارد.

از این منظر، ساده‌زیستی، کاهش تشریفات غیرضروری و تقدم خدمت بر موقعیت سازمانی را باید بخشی از الزامات تحول بسیج دانست، نه صرفاً توصیه‌هایی برای زندگی شخصی بسیجیان.

بازآفرینی رابطه بسیج و ملت

تعبیر «چشم و چراغ ملت» در پیام رهبر انقلاب، تصویری از جایگاه اجتماعی مطلوب بسیجی ارائه می‌دهد. در این تصویر، اعتبار بسیجی باید در متن زندگی مردم و در محله، شهر و روستا قابل مشاهده باشد. رسیدن به چنین جایگاهی، بیش از هر چیز به سرمایه اجتماعی وابسته است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از اعتماد، پیوندهای انسانی، هنجارهای همکاری و مناسباتی است که امکان کنش جمعی را فراهم می‌کند. هیچ نهادی نمی‌تواند صرفاً با توسعه ساختارهای اداری، سرمایه اجتماعی تولید کند.

اعتماد مردم در نتیجه تجربه‌های مکرر از صداقت، کارآمدی، انصاف و احترام شکل می‌گیرد. از همین رو، یکی از معیارهای ارزیابی تحول بسیج باید کیفیت رابطه آن با جامعه باشد. آیا مردم این نهاد را در فعالیت‌های اجتماعی خودی و در دسترس می‌یابند؟ آیا خدمات آن بدون تبعیض در دسترس افراد نیازمند قرار می‌گیرد؟ آیا انتقاد از عملکرد آن امکان طرح و بررسی دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، برای شناخت وضعیت سرمایه اجتماعی بسیج به مراتب معنادارتر از اتکای صرف به آمارهای عضویت و تعداد برنامه‌های برگزارشده است.

انسجام اجتماعی؛ مسئولیتی در کنار سایر مأموریت‌ها

رهبر انقلاب در بند سوم پیام، پاسداشت انسجام اجتماعی و اتحاد مقدس ملت ایران را از صفات مشترک همه بسیجیان برمی‌شمارند. این گزاره، مسئولیتی فراتر از انجام مأموریت‌های متعارف تشکیلاتی را متوجه اعضای بسیج می‌کند. همبستگی ملی در شرایط تهدید خارجی اهمیت راهبردی دارد، اما ارزش آن منحصر به دوران جنگ نیست. جامعه‌ای که از اعتماد و ظرفیت همکاری بیشتری برخوردار است، در مواجهه با مشکلات اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی، بلایای طبیعی و چالش‌های اجتماعی نیز توان بیشتری خواهد داشت.

پاسداشت انسجام اجتماعی مستلزم آن است که میان اختلاف نظرهای داخلی، نقد عملکرد مسئولان، تفاوت‌های فرهنگی و اقدامات خصمانه خارجی تمایز روشنی برقرار شود. یکسان انگاشتن این پدیده‌ها نه تنها به فهم دقیق جامعه کمکی نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تضعیف همان انسجامی منجر شود که پیام بر حفظ آن تأکید دارد.

بر همین اساس، در عرصه داخلی، احترام متقابل، رعایت قانون، به رسمیت شناختن حقوق مردم و پرهیز از رفتارهای تنش‌آفرین، از لوازم عملی پاسداشت انسجام اجتماعی محسوب می‌شوند. همبستگی ملی زمانی پایدار خواهد بود که شهروندان، به رغم تفاوت‌هایشان، احساس تعلق و برخورداری از منزلت مشترک داشته باشند.

عبور از جبران کاستی‌ها به سوی کشف فرصت‌ها

بند چهارم پیام رهبر انقلاب، واجد یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های آینده‌نگرانه آن است. ایشان ضمن اشاره به سابقه بسیج در جبران کاستی‌های نهادهای رسمی و غیررسمی، بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی برای حل مشکلات کشور و دستیابی به فرصت‌های جدید و بدیع تأکید می‌کنند.

میان جبران کاستی و کشف فرصت تفاوت مهمی وجود دارد. جبران کاستی، ناظر بر وضعیتی است که در آن نیاز یا مشکلی از پیش وجود دارد و ظرفیت‌های موجود برای پاسخ‌گویی به آن کافی نیست. اما کشف فرصت، معطوف به آینده و شناسایی امکان‌هایی است که هنوز به فعلیت نرسیده‌اند.

اگر بسیج صرفاً در موقعیت‌هایی وارد عمل شود که مشکلی پدید آمده یا نهادی در انجام وظایف خود با کاستی مواجه شده است، بخش عمده فعالیت آن ماهیتی واکنشی خواهد داشت. حال آنکه توجه به فرصت‌های جدید، پای مسائل دیگری همچون نوآوری اجتماعی، ابتکارهای علمی، توسعه فرهنگی، حفاظت از محیط زیست و ارتقای کیفیت زندگی را به میان می‌آورد. ممکن است در یک منطقه، ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی ارزشمندی وجود داشته باشد که هنوز به درستی شناخته نشده‌اند. ممکن است تجربه موفقی در حوزه آموزش، سلامت یا تعاون محلی شکل گرفته باشد که قابلیت تعمیم به دیگر نقاط کشور را دارد. توجه به چنین فرصت‌هایی، بسیج را با مسئله دانش، پژوهش، تخصص و ارزیابی علمی مواجه می‌کند. حسن نیت و انگیزه خدمت، هرچند ضروری‌اند، جایگزین دانش تخصصی و شناخت دقیق مسئله نمی‌شوند. در عین حال، جبران کاستی دستگاه‌های اجرایی نباید به رفع مسئولیت از آن‌ها یا ایجاد ساختارهای موازی دائمی بینجامد. فعالیت داوطلبانه زمانی بیشترین ارزش را خواهد داشت که مکمل نهادهای مسئول باشد و به ارتقای ظرفیت عمومی کشور کمک کند.

پهلوانی؛ پیوند هویت اسلامی و ایرانی بسیج

اشاره رهبر انقلاب به پهلوانان اخلاق‌مدار آثار کهن ایران، از وجوه فرهنگی برجسته این پیام است. ایشان میان فضایل شناخته‌شده در فرهنگ پهلوانی ایرانی و صفاتی که در تجربه تاریخی بسیجیان ظهور یافته‌اند، پیوند برقرار می‌کنند.

پهلوان در فرهنگ ایرانی صرفاً انسانی برخوردار از قدرت جسمانی نیست. جوانمردی، دستگیری از دیگران، تواضع، وفاداری و دفاع از ضعیفان، از ویژگی‌هایی است که به قدرت او مشروعیت اخلاقی می‌بخشد. از این منظر، قدرت بدون فضیلت برای دستیابی به مقام پهلوانی کفایت نمی‌کند.

ارجاع به این میراث فرهنگی، در کنار تأکید بر مکتب امام حسین(ع)، نشان می‌دهد که هویت بسیج در پیام رهبر انقلاب از طریق پیوند میان سنت دینی و حافظه تاریخی ایرانیان نیز تبیین می‌شود.

این وجه از پیام برای فهم نسبت بسیج با فرهنگ ملی اهمیت دارد؛ زیرا تصویری از مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهد که در آن، شجاعت با اخلاق، توانایی با فروتنی و قدرت با مسئولیت در برابر دیگران همراه است. میزان انطباق رفتار واقعی با این تصویر، معیار مهمی برای ارزیابی وفاداری به آن خواهد بود.

دل‌ها به مثابه پایگاه‌های واقعی بسیج

یکی از عمیق‌ترین تعابیر پیام پنجم آذرماه، توصیف دل‌های انسان‌ها به عنوان پایگاه‌های واقعی بسیج است. این تعبیر را می‌توان چکیده نگاه رهبر انقلاب به نسبت میان سازمان و حقیقت بسیج دانست.

پایگاه در معنای تشکیلاتی، مکان استقرار و فعالیت یک مجموعه سازمان‌یافته است؛ اما هنگامی که دل انسان به عنوان پایگاه واقعی معرفی می‌شود، اصالت با انگیزه، باور و اراده انسان خواهد بود، نه صرفاً موقعیت تشکیلاتی او.

نتیجه چنین نگرشی آن است که توسعه کمی امکانات، ساختمان‌ها و ساختارهای سازمانی، بدون توسعه اعتماد، انگیزه و فضایل انسانی، نمی‌تواند به تنهایی نشانه گسترش حقیقی بسیج باشد.

از سوی دیگر، بسیاری از ظرفیت‌های اجتماعی در شبکه‌هایی پدیدار می‌شوند که اساساً ساختار رسمی ندارند: خانواده‌ها، حلقه‌های دوستانه، انجمن‌های علمی، گروه‌های داوطلبانه و اجتماعات محلی. مواجهه با این ظرفیت‌ها نیازمند شناخت ماهیت مستقل و داوطلبانه آن‌هاست. ضرورت ندارد هر همکاری اجتماعی به وابستگی تشکیلاتی منتهی شود.

جمهوری اسلامی ایران

موسسه جهاد توسعه

فراخوان دریافت پیشنهاد همکاری برای توسعه فعالیت های پرورش ماهی در قفس دریایی TLC

موسسه جهاد توسعه در نظر دارد به منظور شناسایی ظرفیت های فنی، اجرایی و مالی و بررسی راهکارهای توسعه و بهبود فعالیت های پرورش ماهی در قفس (فن آوری نوین TLC) از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت نماید پیشنهادهای اولیه و برنامه همکاری خود را ارائه کنند. این فراخوان با هدف بررسی ظرفیت ها و دریافت ایده ها و پیشنهادهای قابل اجرا منتشر می شود و به تنهایی ایجادکننده هیچ گونه حق، تعهد، انحصار یا اولویت قطعی برای ارائه دهندگان پیشنهاد نخواهد بود.

۱- موضوع فراخوان

موضوع فراخوان عبارت است از دریافت و ارزیابی پیشنهادهای فنی، اجرایی و مالی برای مشارکت در توسعه، راه اندازی، بهره برداری، بهبود و مدیریت فعالیت های مرتبط با پرورش ماهی در قفس دریایی به روش (TLC) در موقعیت جغرافیایی سواحل مکران، حوضه زمین شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان با مزیت ها و ویژگی های عالی در بهره گیری از فناوری نوین، قابلیت غوطه وری سازه در مواجهه با شرایط نامساعد دریایی، پایداری عملیاتی و خلق فرصت های ارزش آفرین سرمایه گذاری در زنجیره اقتصاد دریامحور

پیشنهاددهندگان می توانند در چارچوب قوانین و مقررات طرح خود را شامل روش اجرا، الزامات فنی، برنامه زمانبندی، برآورد هزینه ها، منابع و تجهیزات مورد نیاز، الگوی تامین مالی، پیش بینی درآمد و هزینه، الزامات محیط زیستی و شیوه مدیریت و بهره برداری ارائه کنند. پیشنهادهایی که موجب افزایش بهره وری، استمرار فعالیت، ایجاد ارزش افزوده و استفاده مناسب از ظرفیت های موجود شوند، در فرآیند بررسی مورد توجه قرار خواهند گرفت.

۲- محورهای مورد انتظار از پیشنهادها

پیشنهادهای ارسالی ترجیحا مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- معرفی پیشنهاددهنده، سوابق فعالیت، توانمندی های تخصصی، مالی، اعتباری و تجربه های مرتبط
۲- شرح کامل طرح پیشنهادی و روش عملیاتی اجرای آن؛
۳- برنامه زمان بندی مراحل مطالعه، آماده سازی، اجرا و بهره برداری؛
۴- برآورد منابع مالی، تجهیزات، نیروی انسانی و زیرساخت های مورد نیاز؛
۵- مدل پیشنهادی همکاری و نحوه تقسیم مسئولیت ها و تعهدات طرفین؛
۶- برآورد اقتصادی طرح، پیش بینی هزینه ها و درآمدها و دوره بازگشت سرمایه؛
۷- برنامه مدیریت ریسک، الزامات ایمنی، بهداشت، محیط زیست و اخذ مجوزهای لازم؛
۸- مدارک ثبتی و هویتی، گواهی صلاحیت یا مجوزهای مرتبط، در صورت وجود؛
۹- نام و مشخصات نماینده مجاز جهت پاسخ گویی و انجام مکاتبات.

ارائه پیشنهاد ناقص مانع بررسی آن نیست، با این حال، موسسه می تواند برای تکمیل اطلاعات یا دریافت توضیحات با پیشنهاددهنده مکاتبه کند.

۳- نحوه بررسی و ملاحظات حقوقی

پیشنهادها از نظر فنی، اجرایی، اقتصادی و انطباق با قوانین و اساسنامه موسسه بررسی می شوند. این فراخوان صرفا برای دریافت و ارزیابی پیشنهادهای اولیه است و هیچ گونه تعهدی برای موسسه یا حقی برای پیشنهاددهندگان ایجاد نمی کند. هرگونه همکاری یا اقدام نهایی، منوط به طی تشریفات قانونی واداری و اخذ مجوزها و مصوبات مراجع صلاحیت دار موسسه است. موسسه در چارچوب مقررات، اختیار قبول یا رد پیشنهادها، درخواست تکمیل اطلاعات و توقف یا تمدید فرآیند را دارد.

متقاضیان می توانند پیشنهادهای خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۹/۳۰ در قالب فایل الکترونیکی و نسخه مکتوب به نشانی آدرس: تهران - خیابان حافظ بعد از تقاطع جمهوری بن بست ایرانیان پلاک ۱ - کدپستی ۱۱۳۸۹۵۶۳۱۴ تلفن ۰۹۱۲۹۶۷۸۵۲۰ - ۰۲۱۶۶۷۵۴۴۴۱ - ۰۲۱۶۶۷۴۲۱۹۴ پست الکترونیکی info@jahad_tossee.com ارسال کنند.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۹/۸ خ ش ۱۴۰۵/۹/۸

موسسه جهاد توسعه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۴۰۸ مورخ ۱۴۰۵،۸،۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمود اسیری فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۸۹ صادره از به مساحت ۲۸۸،۳۹ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۷۶،۷۹ مترمربع قطعه ۱ مستثنیات پلاک ۲۴۴ فرعی از ۱۴۵ اصلی واقع در سرانزا جزء حوزه ثبت ملک فیروزکوه خریداری برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از مالک رسمی آقای قاسم قدمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۵/۹/۲۳

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۴۱۰ مورخ ۱۴۰۵.۸.۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامرضا اسیری فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۱ صادره از سرخه به مقدار ۲۸۸،۳۹ متر مربع نشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۷۶،۷۹ متر مربع قطعه ۱ مستثنیات پلاک ۲۴۴ فرعی از ۱۴۵ اصلی واقع در سرانزا جزء حوزه ثبت ملک فیروزکوه خریداری برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از مالک رسمی آقای قاسم قدمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۵/۹/۲۳

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۲۰۰۴۰۰۳۷۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸ هیات اول دوم/ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ایرانشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم مجموعه ورزشی شهید یاسر بهشتی بشناسه ملی در ششدانگ مجموعه ورزشی شهید یاسر بهشتی بنمایندگی اداره ورزش و جوانان شهرستان بمپور به مساحت ۳۱۴۳۶.۷۸ متر مربع قسمتی از پلاک فرعی از ۱۳ اصلی قطعه یک بخش پنج بلوچستان واقع در شهر بمپور خریداری از مالک رسمی آقای /خانم............ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۸/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۹/۸

اردشیر محمودی رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۳/۲۰ - مجلس شورای اسلامی پرونده ای تحت کلاسه - ۱۴۰۴۱۱۴۴۲۶۰۰۵۰۰۲۳۲۵ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان نهاوند تشکیل که پس از بررسی برابر رای شمار ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۸۷۰۳ مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهاوند تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای ناصر ده پهلوانی فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۱۱۳ و کد ملی ۳۹۶۰۷۵۰۷۶۵ نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۱۲/۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۱۳ فرعی از ۳۸۷۱ - اصلی بخش یک واقع در شاطرآباد خیابان جعفر هاشمی - تاکستان هفتم احراز گردیده است و خواهان دارای مبایعه نامه عادی * وانتقال ملک از مالک رسمی آقای عیسی ده پهلوان صورت گرفته است. لذا جهت اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

محمد علی میرزائی کفیل اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان نهاوند.

م الف ۵۲۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۲۳

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۳/۲۰ - مجلس شورای اسلامی ۱- پرونده ای تحت کلاسه - ۱۴۰۵۱۱۴۴۲۶۰۰۵۰۰۱۱۶۶ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند تشکیل که پس از بررسی برابر رای شمار ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۱۳۱۶ - مورخه ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهاوند تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای مهدی سیف فرزند پرویز به شماره شناسنامه ۵۴۰۱ و کد ملی ۳۹۶۲۶۰۴۲۸۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۳۰/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۶۲۲ فرعی از ۴ - اصلی بخش دو نهاوند واقع در روستای کوهانی احراز گردیده است و خواهان دارای مبایعه نامه عادی و انتقال ملک از مالک رسمی آقای محمد سوری صورت گرفته است. ۲- پرونده ای تحت کلاسه - ۱۴۰۵۱۱۴۴۲۶۰۰۵۰۰۱۱۵۷ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند تشکیل که پس از بررسی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۱۴۴۷ و رای اصلاحی ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۲۲۳۴ - مورخه ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهاوند تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای مهدی سیف فرزند پرویز به شماره شناسنامه ۵۴۰۱ و کد ملی ۳۹۶۲۶۰۴۲۸۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۳۶/۴۰ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۳۳۵۷ - اصلی بخش یک نهاوند واقع در شهر نهاوند احراز گردیده است و خواهان دارای مبایعه نامه عادی و انتقال ملک از مالک رسمی آقای فریدون پاروند صورت گرفته است. لذا جهت اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

محمد علی میرزائی کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند

تاریخ انتشار نوبت اول - یک شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم دو شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۲۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۴۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۸/۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه رستمی فرزند علی اصغر بشماره شناسنامه ۱۶۲ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بهره وری باغ به مساحت ۵۳۴/۱۸ متر مربع به شماره پلاک ۱۹۶۵ فرعی مفروز از ۷۰۶ فرعی از سنگ ۱۰۱ اصلی واقع در لزور فیروزکوه خریداری از مالک رسمی برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از خانم منش ناز اسفندیار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۴۳۶ مورخ ۱۴۰۵/۸/۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجتبی جوادی فرزند عبداله بشماره شناسنامه ۴۹۰ صادره از تهران درششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۳۰/۵۱ مترمربع به شماره پلاک ۱۶۲۲ فرعی مفروز از ۴۳۶ فرعی از سنگ ۱۹۴ اصلی واقع در جلیزجند فیروزکوه خریداری از مالک رسمی برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از محمد ابراهیم سراج محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۷۵۸ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا نوراده زاده فرزند امامعلی بشماره شناسنامه ۶۱۱ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بهره وری مزروعی به مساحت ۵۲۸/۹۹ مترمربع به شماره پلاک ۸۷۵ فرعی از ۲۷۷ فرعی از سنگ ۱۱۰ اصلی واقع در ورسخواران فیروزکوه خریداری از مالک رسمی مع الواسطه از عبدالرحیم وعبدالوهاب کیه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۷۶۴ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زینب ولایتی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۹۸۸۳ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بهره وری زراعی به مساحت ۴۵۵/۴۲ متر مربع به شماره پلاک ۱۶۷۵ فرعی مفروز از ۱۵۳۰ فرعی ازسنگ ۶۶ اصلی واقع در مزداران فیروزکوه خریداری از مالک رسمی برابر سند مالکیت مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۴۴۰ مورخ ۱۴۰۵/۸/۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اشرفی زاده فرزند شکراله بشماره شناسنامه ۶۲۲ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۹۳ مترمربع به شماره پلاک ۲۲۸ فرعی مفروز از ۷۲ فرعی از سنگ ۱۳۸ اصلی واقع در زمان فیروزکوه خریداری از مالک رسمی برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از حاجی آقا الله قلی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۴۳۴ مورخ ۱۴۰۵/۸/۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی قیاسی فرزند محمدنقی بشماره شناسنامه ۱۸۳ صادره از فیروزکوه درششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۴۴/۵۸ مترمربع به شماره پلاک ۱۱۶۲ فرعی مفروز از ۲۹۴ فرعی از سنگ ۶۸ اصلی واقع درحصاربن فیروزکوه خریداری از مالک رسمی برابر مبایعه نامه عادی مع الواسطه از داود عزیزیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۱۰۱۰۷۴۳ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای چنگیز افشار نادری فرزند نعمت بشماره شناسنامه ۶۲ صادره از درششدانگ یک قطعه زمین با بهره وری زراعی به مساحت ۵۲۴/۸۳ مترمربع به شماره پلاک ۱۶۷۴ فرعی مفروز از ۱۵۴ فرعی ازسنگ ۶۶ اصلی واقع در مزداران فیروزکوه خریداری از مالک رسمی مع الواسطه از بانو قمر افشار نادری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۸/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم یکشنبه ۱۴۰۵/۹/۸

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد واملاک فیروزکوه